

مقاله اصلی

بررسی امنیت غذایی در افراد ناتوان و دارای معلولیت براساس اسناد بین المللی

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰

خلاصه

مقدمه: حق بر غذا به عنوان یک مفهوم اساسی در حقوق بین الملل بشری در حمایت از افراد ناتوان و دارای معلولیت، مورد موافقت قرار گرفته است. این حق در بسیاری از اسناد بین المللی مورد توجه است. دولت‌ها به طور خاص متعهد هستند بهره‌مندی از حقوق مطرح شده در آن را با استفاده از حداکثر منابع و با تمامی تدابیر مناسب، تأمین کنند.

روش کار: اطلاعات این پژوهش با روش تحلیلی- اسنادی و جستجو در پایگاه‌ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی و کتب مرتبط در این زمینه جمع‌آوری گردیده است.

یافته‌ها: یکی از این حقوق، حق بر غذا در حمایت از افراد ناتوان و دارای معلولیت در فضای سرزمینی می‌باشد. از طرفی امنیت غذایی و حق دسترسی پایدار به غذا و رهایی از گرسنگی جزء حقوق بنیادین بشری بوده و تحت هیچ شرایطی حتی در مخاصمات نیز قابل تعلیق نیست، برای اینکه هرگونه تعهدی به حق غذا می‌تواند منجر به مرگ ناشی از گرسنگی شده و برای افراد ناتوان و دارای معلولیت مشکل‌ساز شود.

نتیجه‌گیری: افرادی که دارای معلولیت، ناتوانی و یا جراحت هستند ممکن است به نیازها و مراقبت‌های غذایی مانند سایر افراد جامعه دسترسی نداشته باشند. حتی در صورت داشتن دسترسی، ممکن است بیش از سایر افراد، نیازمند دریافت مراقبت‌ها و غذای مناسب باشند که این مورد می‌تواند به علل مختلف اتفاق بیفتد. این مقاله با بررسی حق بر غذا براساس اسناد بین المللی در حمایت از افراد ناتوان و دارای معلولیت اینگونه استدلال می‌نماید که افراد معلول و دارای ناتوانی که طبق اسناد بین المللی درصد قابل توجهی از افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، به عنوان بخش مهمی از جمعیت همانند دیگران از حق استفاده از غذا برخوردارند اما این مهم مورد غفلت متولیان نباید قرار بگیرد.

کلید واژه‌ها: حق بر غذا، اسناد بین المللی، تعهدات دولت‌ها، افراد ناتوان و معلول.

سید عقیل ادیانی^۱

ابومحمد عسگرخانی^{۲*}

حاتم صادقی زیازی^۳

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد امارات متحده عربی

۲- دانشیار روابط بین الملل دانشگاه تهران

۳- استادیار حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور

Email: aghil.adyani@gmail.com

مقدمه

اگرچه وضعیت معلولین از دوران قدیم و در جوامع گوناگون مورد توجه بوده و افراد معلولی که به علل و سبب خارج از اراده خود به نوعی ناتوانی جسمی یا روحی دچار می شدند بایستی مورد اهتمام جوامع قرار گیرند و اقداماتی در جهت احترام به حقوق آنان اتخاذ گردد و رویکرد کلی جامع بشری در گذشته نسبت به معلولین مختلف بوده و در دوره ای رویکرد آن جوامع نسبت به معلولین و افراد ناتوان خوب نبوده و ارزشی برای آنان قائل نمی شدند بعد از جنگ جهانی اول و دوم آغاز و شروع توجه جامع جهانی با معلولین بود و دولت مردان نسبت به افراد ناتوان بی تفاوت نبودند و در دوره اخیر رویکرد دولت ها نسبت به افراد ناتوان و معلول متحول شده و تلاش های زیادی در خصوص رعایت حقوق آنان انجام می شود و اوج گسترش و توسعه افراد معلول دوازده دهه هفتاد باز می گردد که اعلامیه های متعددی از سال ۱۹۷۱ و ۱۹۷۵ و ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ و ۱۹۹۲ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب و صادر شده است که آخرین آن کنوانسیون حقوق اشخاص معلول مصوب ۲۰۰۶ می باشد. مع الوصف با وجود این همه اسناد بین المللی ملاحظه می گردد که دولت ها در انجام بعضی از امور از جمله در تامین منابع غذایی و غذا به عنوان یکی از نیازهای ۵ گانه انسان ها چه افراد سالم و چه افراد ناتوان در زمان صلح و در زمان جنگ مورد غفلت قرار گرفته است.

تأمین غذا و تغذیه مناسب از پیش شرط های توسعه و سلامت جامعه است و عامل مهمی در برقراری شرایط ثبات، رفاه، صلح و امنیت بین المللی است. بنابراین در بین اولویت های اهداف توسعه ای دستیابی به امنیت غذایی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (۱). ناامنی غذایی از جمله عواملی است که در بسیاری از موارد می تواند با دامن زدن به بی ثباتی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شالوده های یک نظام سیاسی و اجتماعی را فرو ریزد. بدون تردید برخورداری از غذای کافی یک حق انسانی است و محروم شدن افراد سال م و معلول از آن به هر دلیل در حکم جنایت می باشد. امنیت غذایی سنگ بنای یک جامعه توسعه یافته و عنصر اصلی سلامت فکری، روانی و جسمی آن جامعه است. ناامنی غذایی ذخیره سرمایه اجتماعی افراد مشمول آن و نیز معناداری هنجارها و ارزش های انسانی و دینی را شدیداً تحلیل خواهد برد، دامنه انتخاب افراد را شدیداً محدود می کند و در بسیاری موارد حق انتخاب را از آن ها می گیرد. در یک چنین شرایطی آنها نسبت به نوع نظام سیاسی اجتماعی و هنجارهای حاکم بر جامعه بی تفاوت خواهند بود و دولت را در برابر تهدیدهای سخت افزاری و نرم افزاری خارجی شدیداً شکننده و آسیب پذیر خواهد ساخت. ناامنی غذایی و تبعات جهانی آن مطلبی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم دامنگیر تمامی کشورهای جهان بوده و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی، جسمی، ذهنی و روانی، این مشکل بزرگ گریبان گیر

صدها میلیون انسان های سالم و معلول و ناتوان شده است. حق بر غذا به عنوان یک مفهوم حقوق بین الملل بشر در بندها و مواد بسیاری از اسناد بین المللی حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک و تعداد دیگری از اسناد حقوق بین المللی دیگری در این اسناد تعهدات و الزاماتی برای حصول اطمینان از تحقق این حق برای دولت های عضو آن ها مشخص شده است. در مواردی دولت های مبتلا به بحران و وضعیت اضطراری توان تامین نیازمندی های ضروری مردم را ندارند یا در تامین آن ها در مشقت شدید قرار دارند. در چنین وضعیتی بی گمان همه ملت ها و دولت ها تعهد دارند تا برای رفع معضلات و نجات ملت آسیب دیده مساعدت کنند، غذا یکی از ضروریات اساسی برای بقاء بشر است که دولت ها را موظف به اندیشیدن به آن و داشته است براساس نظریه مازلو اولین نیازمندی از نیازهای پنج گانه انسان، غذا می باشد اگرچه در گستره جهانی اغلب دولت ها از خود بسندگی شان در تولید و ذخیره مواد غذایی سخن می گویند اما در حقیقت وضعیت به هیچ وجه مناسب و رضایت بخش نیست و بنا به گزارش سازمان خواربار جهانی نزدیک به یک میلیارد انسان سالم و معلول از سراسر جهان از گرسنگی رنج می برند و بیش از دو میلیارد نفر نیز از گرسنگی پنهان و سوء تغذیه رنج می برند و همچنین براساس آخرین گزارش جهانی امنیت غذایی و تغذیه که در روز جهانی غذا در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۸ منتشر گردید اعلام شد که شمار گرسنگان به بیش از ۸۲۱ میلیون نفر افزایش یافته است که ۱۵۱ میلیون نفر آنها را کودکان زیر ۵ سال تشکیل می دهند. براساس این گزارش هم اکنون در جهان از هر ۹ نفر یک نفر مبتلا به سوء تغذیه و کمبود شدید مواد غذایی است. این فاجعه بشری را به درستی هلوکاست بی صدا خوانده اند و برای این معضل رویکردهای مختلفی از قبیل حق بر غذا، امنیت غذایی و ... از سوی سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین الملل اتخاذ گردیده است که ضرورت دارد این مفاهیم در اسناد متعدد سازمان ملل از دیدگاه حقوق بین الملل مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شود که کدام یک جایگاه حقوقی محکم تری داشته و می توانند نقش مفیدتر و موثری در جهت حل مشکل سوء تغذیه داشته باشند. امروزه در خصوص تعهدات حقوق بشری دولت ها یک چارچوب تحلیلی حاوی سه نوع تعهد وجود دارد که حق بر غذا نیز این سه گونه تعهد را بر دولت ها بار می کند. این دسته ها شامل تعهد به احترام (تعهدات اخلاقی دولت)، تعهد به حفاظت و تعهد به برآورده کردن حقوق بشر است. میان این سه نوع تعهد نوعی سلسله مراتب در اجرا وجود دارد. بدین معنی که در سطح نخست، دولت ها متعهد به احترام و اخلاق به روش های انتخابی اشخاص برای تحقق حق بر غذای خود و استفاده مطلوب از منابع متعلق به خود برای ارضای نیازهایشان هستند. در

این زمینه به انجام رسیده است حاصل یافته ها در این زمینه در ادامه بیان میشود.

۱- تعریف حق بر غذا

«حق بر غذا به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به غذایی که هم از نظر کیفیت و کمیت مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرفکننده میباشد. به نحوی که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی، مناسب و بدون دغدغه باشد» حق بر غذا شامل حق یاری رساندن به فردی است که نمیتواند از خویشتن مراقبت نماید. البته این نکته در مورد حق بر غذا بیشتر حائز اهمیت است که حق بر غذا حقی است که بر اساس آن هر فرد بتواند تغذیه در شان خویش را داشته باشد. این حق همچنین شامل دسترسی به منابع و ابزارهایی برای تأمین معیشت هر فرد نیز میباشد. موارد دیگر شامل دسترسی به زمین، امنیت و رفاه، دسترسی به آب و بذر، اعتبارات، تکنولوژی و بازارهای محلی و منطقه ای و خصوصاً برای اقشار آسیب پذیر و در معرض تبعیض، دسترسی به مناطق قدیمی ماهیگیری برای جوامع ماهیگیری که به این مناطق برای تأمین معاش خویش وابسته اند، دسترسی به سطحی از درآمد کافی برای کارگران شهری و روستایی که بتوانند افزون بر دسترسی به امنیت اجتماعی و کمکهای اجتماعی برای افراد بسیار محروم، زندگی در شأن خود داشته باشند (۲). با یادآوری قطعنامه ۵۶/۱۶۸ مورخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۱ که در آن تصمیم گرفته شد که برای بررسی یک کنوانسیون جامع و فراگیر به منظور ارتقا و حمایت از حقوق و کرامت افراد معلول و ناتوان بر اساس توجه جامع نگر به فعالیت‌های انجام شده در توسعه اجتماعی، حقوق انسانی و منع تبعیض‌ها و در نظر گرفتن توصیه‌های کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون توسعه اجتماعی، یک کمیته ویژه که حضور در آن برای تمام دولت‌های عضو و ناظران سازمان ملل آزاد باشد؛ تشکیل شود تا حقوق افراد معلول و ناتوان که حق بر غذا برای آن‌ها نیز از اجزای اصلی آن بود، مورد بررسی قرار گیرد (۱۷). بر اساس این کنوانسیون مقرر شد تا دولت‌های عضو حق افراد معلول را برای برخورداری از بالاترین استانداردهای ممکن در زمینه بهداشت و بخصوص غذا، بدون تبعیض قابل شدن بر اساس معلولیت؛ به رسمیت می‌شناسند. دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات لازم را برای حصول اطمینان از دسترسی معلولین به خدمات بهداشتی و غذایی با رعایت تفاوت‌های جنسی، شامل توانبخشی مرتبط با بهداشت اتخاذ نمایند. به طور اختصاصی دولت‌های عضو می‌بایست از منع تبعیض آمیز مراقبت‌های بهداشتی، سرویس‌های بهداشتی یا غذا و مایعات بر اساس معلولیت جلوگیری کنند و همچنین دولت‌های عضو حق معلولین را برای داشتن یک زندگی مناسب و

سطح دوم، دولت‌ها متعهد به حمایت فعال از اشخاص در مقابل منافع اقتصادی قوی‌تر هستند. تعهد به برآورده نمودن نیز بدین معنی است که در ابتدا دولت عضو باید فعالانه در اقداماتی که هدف از آن‌ها تقویت دسترسی اشخاص و بهره‌مندی از منابع و وسایل برای تضمین امرارمعاش همچون امنیت غذایی باشد مشارکت کرده و روند دستیابی افراد سالم و معلول را به حق بر غذا خود تسهیل کنند. در نهایت اینکه دولت‌ها متعهد به تحقق کامل حق بر غذا در چارچوب امنیت غذایی، یعنی اطمینان از تغذیه با مواد خوراکی بهداشتی، ایمن و کافی هستند؛ بنابراین، اجرا و تأمین حق بر غذا، بدون دخالت دولتها، امری ناممکن و بی معنا خواهد بود. بر اساس حقوق بین الملل، دولت‌ها نهاد اصلی هستند که مسئولیت دارند، دستیابی مردم به حقوق بشر را تضمین نمایند (۴). در چارچوب حقوق بین الملل، دولت‌ها علاوه بر تعهدی که نسبت به افراد حاضر در سرزمین تحت صلاحیت خود دارند، در مقابل حق بر غذا برای مردم دیگر کشورها نیز متعهد هستند که می‌توان گفت تعهدات دولت‌ها در تأمین امنیت غذایی در سطح بین الملل می‌باشد. به این معنا که آنها باید تضمین کنند که سیاست‌های اجرایشان نه تنها موجب نقض حق بر غذا برای مردمان سرزمین دیگر نمیشود، بلکه تا جایی که ممکن است در تحقق و اجرای کامل حق بر غذا آنها مشارکت نموده و به دولتهای دیگر در جهت تحقق این حق یاری رسانند (۵).

به این منظور، ابتدا، تعریفی از حق بر غذا و حق بر غذا در افراد ناتوان و دارای معلولیت و در ادامه، حق دسترسی به غذا در اسناد حقوق بین المللی ذکر خواهد شد و سپس به دلیل اهمیت موضوع، اسناد حقوقی مرتبط با تعهدات دولت‌ها در تأمین ایمنی محصولات غذایی بررسی خواهند شد و بالأخره، نتایج و پیشنهادها حاصل از پژوهش ارائه می‌شود.

روش کار

اطلاعات این پژوهش با روش تحلیلی- اسنادی و جستجو در پایگاه‌ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی جمع‌آوری گردیده است. در این مطالعه، ابتدا به بررسی بررسی امنیت غذایی در افراد ناتوان و دارای معلولیت براساس اسناد بین المللی پرداخته می‌شود. در ادامه اهمیت و ضرورت پژوهش و پیشینه تاریخی پژوهش بیان می‌شود. سپس مفهوم و اهمیت فراد ناتوان و دارای معلولیت مورد بحث قرار می‌گیرد؛ در نهایت به بیان این مساله در افراد ناتوان و دارای معلولیت براساس اسناد بین المللی پرداخته میشود.

یافته‌ها

در ادامه این پژوهش و از آنجایی که این مطالعه یک مطالعه مروری است و با بررسی تحقیقات قبلی و نیز بررسی کتب و منابع مختلف در

بودن تعهدات دولت ها در این زمینه پر رنگ گردد؛ چرا که تا پیش از ظهور جامعه بین المللی سازمان یافته با دغدغه های حقوق بشری، اصولاً رویکرد دولت ها نسبت به مسئله گرسنگی و سوء تغذیه رویکردی مبتنی بر امور خیریه با رنگ و بوی اخلاقی و یا در بعضی نقاط مذهبی بود و نه الزام حقوقی و مفهوم بما هو حق (۲).

۳- حق دسترسی به غذا در اسناد حقوق بین المللی

بشردوستانه

حقوق بشردوستانه شاخه ای از حقوق بین الملل بوده که بر مخاصمات مسلحانه و سایر وضعیتها از جمله وضعیت اشغال حاکم است و رفتار متخاصمین در طول جنگ را تنظیم می نماید. منابع اصلی حقوق بشردوستانه عبارتند از: کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی به این کنوانسیون ها. یکی از این دو پروتکل مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین المللی و دیگری در خصوص حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین المللی است (۶). حق بر غذا در مفاد کنوانسیون های چهارگانه ژنو بیان شده است از جمله اینکه در ماده ۹۲ کنوانسیون شماره ۱، اشخاص کشور بی طرف که به دست طرف متخاصم می افتند قابل بازداشت نبوده و در مدتی که این اشخاص در اختیار دولت متخاصمند باید غذای آنها از نظر کمی و کیفی و تنوع کافی باشد، به طوری که نیازهای تغذیه ای آنها را برای یک زندگی سالم تأمین کند. در مواد ۲۱ و ۲۳ کنوانسیون شماره ۳ بر تأمین غذای کافی و سالم و رژیم غذایی عادی تأکید شده است (۷). در کنوانسیون چهارم ژنو که به کنوانسیون حقوق اشغال معروف است، در ماده ۲۳ آن به تعهد دولتهای عضو معاهده به آزادی عبور کلیه محموله های غذایی ضروری آنان، «آرد، شکر، روغن و نمک» و مواد مغذی کودکان زیر ۱۵ سال و زنان باردار اشاره شده و بنا بر ماده ۵۵ آن دولت اشغالگر مکلف است در حد امکانات، نیازهای مردم تحت اشغال را از نظر مواد غذایی، پزشکی تأمین کند و در صورت کافی نبودن مواد غذایی آن را از خارج وارد نماید. در ماده ۵۹ کنوانسیون مذکور نیز به طرحها و کمک های بشردوستانه و ارسال مواد غذایی و دارویی اشاره شده است (۸).

پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو در مورد حق بر غذا که بر مخاصمات مسلحانه بین المللی حاکم است در بند ۱ ماده ۴، به ممنوع بودن گرسنه نگه داشتن غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی، اشاره می نماید و در حال حاضر به عنوان یک قاعده محکم و ریشه دار در قوانین و عرف بین المللی جای خود را باز کرده است. منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان و ممنوعیت گرسنگی دادن در زمان قحطی و نبود غذا یا دسترسی به مواد غذایی منجر به سلب حیات افراد شود و هم در شرایطی که درد و رنج و گرسنگی بر مردم تحمیل گردد مصداق خواهد یافت (۹). همچنین استفاده عمدی از به قحطی کشاندن غیر

استاندارد برای خود و خانواده اشان شامل غذا، پوشاک، مسکن و تقویت مداوم شرایط زندگی

به رسمیت می شناسند و می بایست برای حمایت قانونی و رسمیت یافتن این حقوق بدون تبعیض بر اساس معلولیت تدابیر مناسبی اتخاذ کنند (۲).

۲- حق بر غذا در افراد ناتوان و دارای معلولیت

اصولاً هر عمل اخلاقی مقید به قید قدرت و توانایی انجام دهنده آن عمل است. انسان ناتوان را نمی توان مکلف و متعهد به انجام عملی دانست. دولت نیز وضعیت مشابهی دارد، چرا که نوع تعهد دولت در واقع بازگشت به روابط اجتماعی انسانی خواهد بود. بی تردید به لحاظ اخلاقی نمی توان فردی را که قادر به انجام عملی نیست، متعهد به انجام آن عمل دانست. بر اساس چنین تحلیلی تمام تعهدات دولت ها در واقع گونه ای تعهد به وسیله خواهند بود، یعنی اینکه افراد در محدوده امکانات و توانایی های خود مکلف به انجام تعهدات شان هستند. هر دولتی موظف است اطمینان حاصل کند که دستکم همه افراد تبعه حکومت او به حداقل مواد غذایی ضروری و سالم که برای معیشتش کافی باشد، دست می یابد. بنابراین، با توجه به عرضه روزافزون محصولات غذایی تراریخته در بازار مصرف، پرسش اصلی این است که بر اساس موافقتنامه های بین المللی موجود در زمینه ایمنی مواد غذایی، دولتها چگونه می توانند برای ایجاد تعادل میان تأمین حق بر غذا و حق بر سلامتی، به تعهدات خود در زمینه تأمین غذای سالم و ایمن برای افراد تحت صلاحیتشان اقدام نمایند (۱۸). به نظر می رسد می توان بین دو این نوع تعهد این گونه تفکیک قائل شد: تعهد به انجام عملی در صورت داشتن توان و تعهد به تدارک امکانات و به کارگیری توان برای فراهم کردن آن. اولی تعهد دولت به انجام عمل در صورت توان است و دومی تلاش برای توان یافتن، در حقیقت در پاره ای موارد افراد متعهد هستند که تمام تلاش خود را به کار گیرند تا امکانات لازم را برای انجام تعهد خویش فراهم کنند (۱۹). از آنجایی که ماهیت حقوق اقتصادی و اجتماعی به گونه ای است که دخالت مثبت دولت در تهیه امکانات مادی همانند امنیت غذایی را می طلبد، طبعاً در این زمینه تصور وجود محدودیتها و در نتیجه عدم امکان تدارک حق های مزبور پیش می آید. لیکن بین المللی در ارتباط با امنیت غذایی ماهیتاً به گونه ای هستند که تحقق آنها با تعهدات دولت امکان پذیر نیست، بنابراین مقید کردن آنها به قید امکانات موجود ناموجه خواهد بود. با این وجود باید در نظر داشت که حتی در حوزه حقوق مدنی و سیاسی، در مواردی که تحقق حق ها دخالت حمایتی دولت را می طلبد به نظر می رسد بتوان این حق ها را مقید به قید امکانات موجود دانست. تعهد دولت ها در خصوص حق بر غذا صرفاً تسهیل امکان دسترسی به غذا نمی باشد، بلکه این غذا باید شرایطی مانند کافی و مغذی بودن داشته باشد. در این تفاسیر، اساسی بودن حق بر غذا به ویژه به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با حیات بشری مورد توجه قرار گرفته است و تلاش می شود که الزام آور

تعهدات تدریجی به صراحت در ماده ۲ میثاق قید شده است (۱۳). تعهدات فوری نیز شامل حذف تبعیض در دسترسی به غذا که در تفسیر کلی شماره ۲۰ به روشنی به این مسئله اشاره شده است. تعهد به اتحاد اقدامات لازم و عدم برخورد غیر فعالانه با حق غذا، تعهد به منع اقدامات پس رونده و حمایت از حداقل تامین نیاز اساسی به غذا ۴۹ در رابطه با اهمیت این ماده کمیته اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۳ خود در مورد ماهیت تعهدات دولتهای عضو میثاق می گوید «ماده ۲ برای درک کامل میثاق اهمیت اساسی دارد و باید بین آن و سایر موارد میثاق رابطه ای پویا برقرار کرد این ماده ماهیت تعهدات قانونی دولت ها به موجب میثاق را تشریح می نماید (۱۰)». بند ۱ ماده ۲ را می توان رکن اصلی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معرفی نمود. این بند به توصیف تعهدات دولتهای عضو در تحقق حق های مندرج در میثاق می پردازد که درک و فهم و شناخت آن اهمیتی حیاتی برای محتوی و نیز اجرای میثاق به مثابه یک کل دارد (۱۳).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۱۲ اعلام کرد با توجه به روح حاکم بر ماده ۵۶ منشور ملل متحد و مقررات خاص مواد (۲) و ۲۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «دولت های عضو می بایست نقش اساسی همکاری بین المللی را به رسمیت بشناسند و مطابق با تعهداتشان نسبت به اتخاذ اقدامات مشترک و مجزا برای دستیابی به تحقق کامل حق بر غذای مناسب عمل کنند آنها باید در هر زمان از تحریم های غذایی یا اقدامات مشابه که شرایط تهیه غذا و دسترسی به غذاهای دیگر کشورها را به خطر می اندازد اجتناب کنند، غذا نباید به هیچ وجه به عنوان وسیله فشار اقتصادی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد این کمیته دو روش خاص در ارتباط با ماهیت کلی تعهدات در چارچوب میثاق اتخاذ کرده است:

الف) شیوه متمرکز بر تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه

ب) شیوه متمرکز بر تعهدات به احترام، حمایت و ایفاء (۱۳).

۵- امنیت غذایی در اسناد سازمان ملل متحد

انسان برای تأمین اساسی ترین نیاز خود یعنی غذا، به دنبال دستیابی شیوه های گوناگون است. در کنار پیشرفت های ناشی از تمدن های جدید، امور متعددی در زندگی امروز دنیا به کانون بحران تبدیل شده است. یکی از مهمترین این بحران ها، امنیت غذایی می باشد. این بحران ناشی از اقدامات بشر از جمله جنگ های ویرانگر، تصمیم های اقتصادی سودجویانه و رشد بی رویه جمعیت و... می باشد که اساسی ترین حق میلیون ها انسان را مورد تهدید قرار داده است. ناامنی غذایی از جمله عواملی است که در بسیاری موارد می تواند با دامن زدن به بی ثباتی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شالوده های یک نظام سیاسی اجتماعی را فرو ریزد (۲). سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۳۷۱ برمیگردد در آغاز این دهه، تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه کاهش یافت. روز به روز بی ثباتی و عدم

نظامیان به عنوان روش جنگی از طریق محروم کردن آنها از کالاهای اساسی و ضروری برای بقای ایشان بر اساس بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی جنایات جنگی تلقی می شود. مبنای این ممنوعیت کمک به غیر نظامیان برای ادامه حیات و مصون ماندن از آثار درگیری است. اگر آنها از آب و غذا و بهداشت محروم شوند و حق دسترسی به خدمات عمومی نداشته باشند، چه بسا بسیار بیشتر از رزمندگان از جنگ متأثر شوند. در بند ۲ ماده ۵۴ این پروتکل حمله، تخریب، انتقال یا غیر قابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری است نظیر مواد غذایی، نواحی کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دامی، تأسیسات و ذخایر آب شامیدنی، سیستم های آبرسانی با هر انگیزه های خواه به جهت اینکه غیر نظامیان از گرسنگی از پا درآیند و خواه مجبور به انتقال به جای دیگر شوند، ممنوع است (۱۰). در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز تحمیل عمدی گرسنگی بر غیر نظامیان از طریق محروم ساختن آنان از ملزومات بقا به عنوان یک روش جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی جنایت جنگی به شمار می رود.

۴- حق غذا با سایر حقوق بشری و تعهدات ناشی از آن

نظر به اینکه اعلامیه کنوانسیون جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ مقرر می دارد که تمامی حقوق بشر، جهانی غیر قابل تفکیک، مرتبط و وابسته به یکدیگرند، بنابراین حق غذا نیز از این قاعده مستثنی نبوده (۱۱) و با سایر حقوق بشر از جمله: حق آموزش، حق کار، حق منع شکنجه، حق مسکن، حق بر آزادی عقیده بیان و اطلاعات، حق سلامتی، حق حیات، حق بر تشکیل اجتماعات و انجمن ها، حق بر عدم تبعیض، در ارتباط می باشد. همچنین در رابطه با پیوند بین حق غذا و حق حیات می توان گفت که حق غذا در هر وضعیتی اعتبار دارد و قابل تعلیق نیست زیرا هر گونه تعدی به حق غذا می تواند منجر به مرگ ناشی از گرسنگی شود و در این خصوص کمیته حقوق بشر می گوید «حقی عالی است که تعلیق آن حتی در زمان وضعیت های اضطراری عمومی که حیات ملت در معرض خطر قرار دارد مجاز نباشد» کمیته مزبور در بند ۵ تفسیر کلی شماره ۱۶ اجلاس شانزدهم خود درباره ماده ۶ دامنه مشمول حق حیات را گسترش داده به شکلی که اقدام در جهت محو سوء تغذیه و بیماری های همه گیر را نیز در بر می گیرد (۱۲). تعهدات و مکانیزم های تضمینی حق بر غذا تابع محتوی و مکانیزم های تضمین حقوق مندرج در مفاد میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است تعهدات دولت های عضو میثاق در بند ۱ ماده میثاق به شرح زیر آمده است (۱۰). «هر دولت عضو میثاق حاضر متعهد می شود اقداماتی انفرادی و از طریق مساعدت و همکاری بین المللی بویژه اقتصادی و فنی، با استفاده از حداکثر منابع در اختیار، به منظور دستیابی به تحقق کامل تدریجی حق های شناخته شده در میثاق حاضر با همه وسائل مناسب از جمله به طور خاص اتخاذ اقدامات تضمینی معمول دارد در واقع تعهدات در میثاق دو نوع تدریجی و فوری می باشد که

تبادل بین جمعیت و غذا در جهان افزوده شد. به دلیل جلوگیری از عواقب وخیم این بحران کنفرانس جهانی غذا به ابتکار سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۴ تشکیل که در آن به امنیت غذایی در سطح جهان و به تبع آن در سطح کشورها تأکید شد. مفهوم امنیت غذایی در طول زمان تغییر کرده و در حدود ۲۰۰ تعریف و ۴۵۰ شاخص در طول زمان برای آن ارائه شده است. بر اساس اسناد سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۷۰ امنیت غذایی شامل عرضه متمرکز کالاهای اساسی غذایی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات ناشی از نوسانات تولید و قیمت بود. در این دهه امنیت غذایی از دو جزء تشکیل شده بود:

الف) دسترسی به غذا در سطح محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی
ب) استحصال غذا و توانایی افراد جهت به دست آوردن غذا؛ در این جزء مردم به دلیل عرضه ناکافی غذایی گرسنه نیستند، بلکه آنها منابع کافی از جمله پول جهت تهیه غذا ندارند. تجربیات جهانی در سال‌های بعد نشان داد که بهبود عرضه به تنهایی جوابگوی حل معضل سوء تغذیه نیست. متعاقب آن بانک جهانی امنیت غذایی را یک مفهوم گسترده دانست که به وسیله تعامل دامنه ای از عوامل بیولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و فیزیکی تعیین می‌شود؛ بنابراین همچون مفاهیم بهداشت یا رفاه اجتماعی معیار واحدی برای ارزیابی آن وجود ندارد.

- با وجود این، می‌توان این پیچیدگی را با تمرکز روی سه مؤلفه مشخص امنیت غذایی، یعنی موجودی مواد غذایی، دسترسی به مواد غذایی و استفاده از مواد غذایی ساده‌تر کرد. لذا از منظر بانک جهانی امنیت غذایی نه تنها مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان است، بلکه ناظر بر توزیع عادلانه غذا به منظور دستیابی همگان به آن نیز می‌باشد. امنیت غذایی به معنای دسترسی تمام مردم در تمام اوقات به غذای کافی به منظور زندگی سالم و فعال به صورت یک نظریه و روش مدرن برای اولین بار در کنفرانس بین المللی تغذیه مطرح شد و به عنوان یکی از استراتژی‌های ذهنی مهم در برخورد با سوء تغذیه و گرسنگی و نیز فراهم نمودن امنیت غذایی خانوار مورد تأکید قرار گرفت (۲).

استفاده از مواد غذایی که ناظر بر استفاده درست بیولوژیکی از آنها می‌باشد به وضعیت تغذیه و بهداشت افراد برمی گردد و شاخص‌های استفاده از مواد غذایی شامل تولید غذا، صادرات و واردات، زمان برداشت، نرخ حاصل خیزی، تولید غذاهای عمده، انبار، نگهداری و فرآوری غذا، مصرف غذاهای بومی و ... می‌باشد. دسترسی به مواد غذایی مستلزم آن است که کلیه خانوارها و اعضای آن منابع کافی و مناسب برای به دست آوردن یک غذای مغذی داشته باشند. این دسترسی بایستی از دو بعد فیزیکی و اقتصادی تأمین شود. دسترسی فیزیکی به مواد غذایی ارتباط نسبی مصرف کننده را با شبکه توزیع غذا نشان می‌دهد و به وسیله حوادث غیر مترقبه، چون جنگ، محدودیت‌ها یا تحریم‌های کالا تحت تأثیر قرار می‌گیرد. دستیابی اقتصادی نیز به وسیله عواملی چون فقر و قدرت خرید تحت تأثیر قرار می‌گیرد، یعنی

۱- فراهمی غذا، غذای موجود یا تولید شده
۲- دسترسی به غذا
۳- پایداری در عرضه و قابلیت دسترسی
۴- درجه ایمن، مغذی و مفید بودن آن تعیین می‌شود (۱۰) بر اساس سند منتشر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی اسناد مختلف سازمان ملل متحد در زمینه رویکرد امنیت غذایی و حق بر غذا جهت حل معضل سوء تغذیه و گرسنگی در جهان مشخص گردید، رویکرد امنیت غذایی در یک مسیر تکاملی از خوداتکایی به عرضه و تقاضای متناسب با نیازهای غذایی و توزیع عادلانه مواد غذایی که همه افراد دسترسی فیزیکی و توان مالی به غذا برای رفع نیازهای فیزیولوژی داشته باشند و در نهایت دسترسی به غذا، با مؤلفه‌های: ۱- فراهم بودن؛ ۲- دسترسی فیزیکی و اقتصادی؛ ۳- ثبات و دسترسی به آن در هر زمانی در بازار؛ ۴- مفید و کارابودن است که با اجزا و مؤلفه‌های حق بر غذا شبیه هم می‌باشد، ضمن اینکه بُعد تمرکز امنیت غذایی از سطوح جهانی، منطقه ای، ملی، محلی به سطح خانوار و فرد تغییر جهت داده است در حالی که رویکرد حق بر غذا از ابتدا فرد محور بوده و در موارد خاصی بر حق غذایی گروه‌هایی خاص توجه دارد. همچنین باید توجه داشت که بر اساس حقوق بین الملل، دولت‌ها در مقابل حق بر غذای مردم دیگر کشورها نیز تعهدات اخلاقی داشته و باید در اتخاذ سیاست‌های اجرایی شان به گونه ای عمل کنند که نه تنها موجب نقض حق بر غذای مردمان سرزمینهای دیگر نشوند، بلکه تا جایی که ممکن است به تحقق و اجرای کامل حق بر غذای آنها یاری رسانند. در حال حاضر رویکرد حق بر غذا به دلیل آنکه تعهداتی بر مبنای کرامت انسانی به کشورهای عضو جهت تأمین غذا تحمیل مینماید و دارای مکانیزم‌های لازم جهت رسیدگی به نقض حق بر غذا و جبران خسارت برای افراد متأثر از این قضیه می‌باشد. همچنین ارتباط مستحکمی با سایر حقوق بشری از قبیل حق بر آب، کار، مسکن، بهداشت، حیات و ... دارد، ابزار مناسبی جهت رفع معضل گرسنگی و سوء تغذیه در جهان می‌باشد، لیکن رویکرد امنیت غذایی

8. Saeed N. Palestine and Contemporary International Law. Tehran: Majd Press; 2010. p. 91.
9. Golay C. The Food Crisis and Food Security: Towards a New World Food Order. Available at: <https://poldev.revues.org/145>. Accessed June 1, 2015.
10. Ebrahim Gol A (2008) The Right to Food: A Prerequisite for the Exercise of Other Rights" International Law Journal, Journal of the Center for International Legal Affairs Vice Presidential Affairs and Legal Affairs, 25(39): 221-243.
11. Mosafa N, Mostaghimi B (2007), The Challenges of Humanitarian Aid in the Middle East" First Edition, State Department Publications.
12. Krion, Mitosi, 2008 "A Perspective on the Development of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights" Translated by Mohammad Habibi, first edition, Mofid University Press Organization.
13. Ghasemi, H (2000), Food and Nutrition Security in Iran, Institute of Nutrition Research and Nutrition Food industry of the country.
14. Shaw D. World Food Security History since 1945. Available at: <http://www.palgrave.com/us/book/9780230553552> www.FAO.org. Accessed June 1, 2015.
15. Food Agriculture Organization . june ,1 ,2015.
16. Poranjf, Mohammad (2007), Department of Human Rights, Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran, Tehran.
17. Esfandiari, Genghis, / Mir Abbasi, Seyed Bagher, UN Role in Implementing Food Security in the World Community, pp. 91 to 103
18. Ghari SF (2009) Human Rights in the Contemporary World" Second Bureau, Analyzes of Rights and Freedoms, Tehran, Publication of the Institute for Legal Studies and Research, Danesh.

به دلیل غیر شفاف بودن آن و همچنین به دلیل مشخص نبودن تعهدات کشورهای عضو و نداشتن مکانیزم های لازم جهت رسیدگی به نقض آن نمی تواند به عنوان یک وسیله مناسب جهت حل معضل سوء تغذیه به کار رود و بیشتر به عنوان یک ابزار تکمیلی جهت تحقق تدریجی حق بر غذا مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین پیشنهاد می شود جهت حل معضل سوء تغذیه در جهان، کشورها حق بر غذا را در قانون اساسی خود به رسمیت شناخته و زمینه را برای اجرای آن فراهم نمایند. همچنین آنچه می تواند پاسخگوی مسائل پیش آمده در نتیجه امنیت غذایی باشد، ایجاد یک نظام حقوقی بین المللی است که با اتخاذ رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، تعهدات اخلاقی دولت ها را در این زمینه متعهد به ارزیابی دقیق و بیطرفانه نموده و در این راستا ضمانت اجرایی لازم را ببندد.

References

1. Ejlali, F (2007), Food Security in the World Community, Tehran: Ministry of Agriculture Jihad Publications, first edition.
2. Foroughini H, Naghmati M, Naghmati A (2014), The Nature of Governments' Commitments to the Right to Food from the Perspective of International Human Rights and Humanitarian Law, Two Humanitarian Quarterly Journal, 3 (7): 133-159.
3. Esfandyai C, Mirabasi B (2015), Examination of the Aspects of the Right to Food and Food Security in International Documents. Medical Law Journal, 9 (35) :157-184.
4. Eide, Absjorn, (1998), The Human Right to Adequate Food and Freedom from Hunger, in the Right to Food in Theory and Practice, First Edition, Rome, FAO.
5. Kasturi P (2012), "Technology and Food Security", Humanomics, 2(25).
6. Food Agriculture Organization. Basic Concepts of Food Security: Definition, Dimensions and Integrated Phase Classification.
7. International Committee of the Red Cross. Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Defalco R. The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law. Internet Journal of Rutgers School of Law 2009; 35: 11-22.

Original Article

Food Security Assessment of Disabled People with Disabilities Based on International Documents

Received: 06/11/2018 - Accepted: 11/03/2019

Seyyed Aqil Edyani¹
Abu Mohammad Asgarkhani^{2*}
Hatem Sadeghi Zazi³

¹ PhD Student of International Law,
Islamic Azad University, United Arab
Emirates Branch

² Associate Professor of International
Relations, University of Tehran

³ Assistant Professor of International
Law, Payame Noor University

Email: aghil.adyani@gmail.com

Food Security Assessment of Disabled People with Disabilities Based on International Documents

Seyyed Aqil Edyani, PhD Student of International Law, Islamic Azad University, United Arab Emirates Branch

Abu Mohammad Asgarkhani. Associate Professor of International Relations, University of Tehran

Hatem Sadeghi Zazi Assistant Professor of International Law, Payame Noor University

Abstract

Introduction: The right to food as an essential concept in international human rights law has been endorsed in support of persons with disabilities. This right is addressed in many international documents. Governments in particular are committed to ensuring that the rights set forth in it are utilized to the fullest extent possible and with all appropriate measures.

Methods: The data of this study were collected by analytical-documentary method and searching in databases and sources of internet scientific information and related books in this field.

Findings: One of these rights is the right to food in support of the disabled and disabled in the territorial space. On the other hand, food security and sustainable access to food and freedom from hunger are fundamental human rights and cannot be suspended under any circumstances, even in hostilities, because any commitment to the right to food can lead to death by starvation. Disabled people with disabilities.

Conclusion: People with disabilities, disabilities, or injuries may not have access to nutritional needs and care like other people in the community. Even if they have access, they may need more care and nutrition than others, which can happen for a variety of reasons. By examining the right to food on the basis of international documents in support of persons with disabilities and disabilities, this paper argues that persons with disabilities and disabilities who constitute a significant percentage of society according to international documents, As an important part of the population, like others, have the right to use food, but this should not be overlooked by the authorities.

Keywords: Food Right, International Documents, Obligations of Governments, Disabled and Disabled

